

ما دخترها آزادیما؟!!

آیا واقعا دخترها نسبت به پسرها از آزادی کمتری برخوردارند؟!!

نشاره

طبق نظرسنجی‌هایی که اخیرا از دانش‌آموزان چند دبیرستان دخترانه (از مناطق مختلف) تهران به عمل آمده، و براساس گالیه‌های گاه و بیگاهی که از طرف دختران دانش‌آموز تکرار می‌شود، اغلب با این سؤال غلط روبرو می‌شویم که چرا دختران، کمتر از پسران همسال خود از آزادی‌های فردی و اجتماعی برخوردار هستند و دخترها بیش از پسرها از محدودیت‌ها و محرومیت‌ها رنج می‌برند!

بعضی‌ها این وسط در قامت کارشناس ظاهر شده و این تصور را مطرح می‌کنند که این تفاوت‌ها ناشی از ضعف و ناتوانی ذاتی خانم‌های جوان در مقایسه با پسرهاست و یا شاید هم این افکار توسط مردسالاری مطرح می‌شود.

بعضی‌های دیگر هم مدعی هستند که ریشه اصلی این تفاوت‌ها در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، ناشی از تفسیرهای متعصبانه از آموزه‌های دینی‌ست!!! در این مطلب تلاش کرده‌ایم تا پاسخ‌هایی مناسب به این گونه شبهات داده باشیم.

تفاوت‌تبعیض؟

یکی از پیش زمینه‌های اصلی طرح این گونه سؤالات و شبهات، عدم اطلاع دقیق قشرهای مختلف جامعه از فلسفه تفاوت‌های طبیعی بین دختران و پسران است. بدون توضیح و شرح دادن تفاوت‌های جسمی و روحی دختران و پسران و بدون توجه به تفاوت‌های خاصی که در خلقت‌شان وجود دارد، نمی‌توان به سؤالات طرح شده پاسخی مناسب داد.

البته در این مطلب فرصتی برای پرداختن به مباحث «فلسفه تفاوت‌های دختر و پسر» نداریم، اما ذکر این نکته هم خالی از فایده نیست که: «اصولا تفاوت‌های طبیعی از رمزها و لوازم رشد و تکامل و بقای عالم

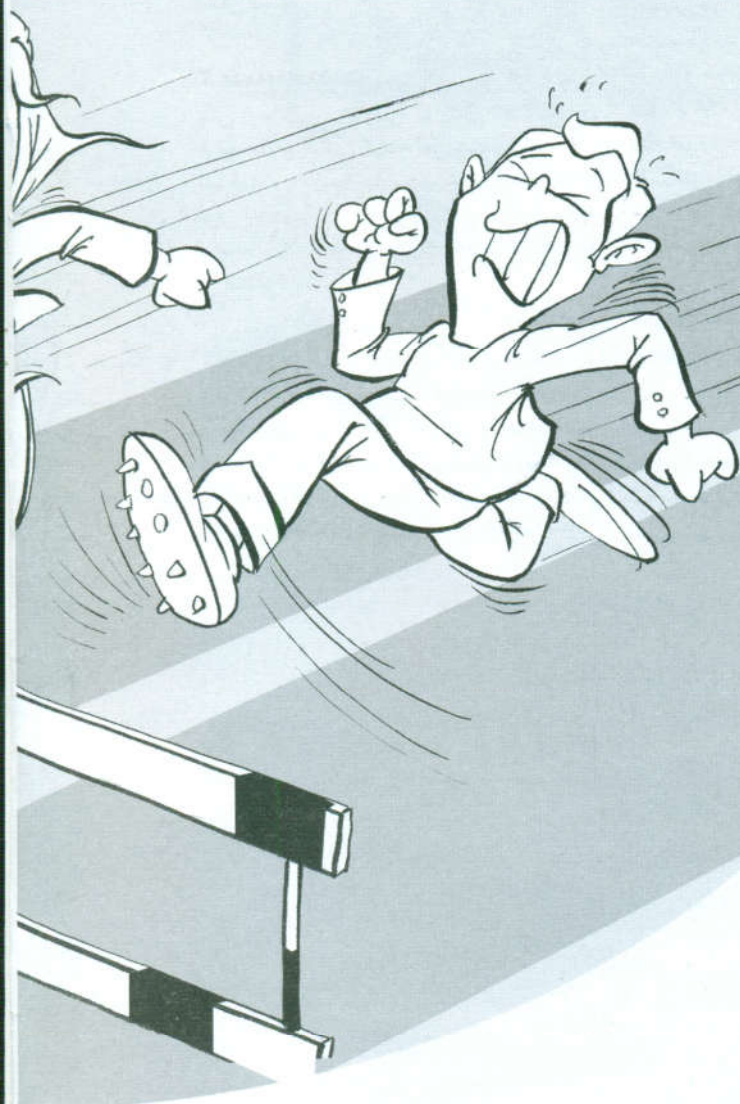
خلقت است و وجود جنس مونث در کنار جنس مذکر در بین همه پدیده‌های عالم (اعم از نبات و حیوان و انسان) از قطعیات حیات و نظام تکامل است.

حکمت تفاوت‌ها

شاید بعضی‌هایمان در یک نگاه سطحی و ناشیانه، جامعه را غرق در تبعیض ببینیم و تفاوت‌های حاکم بر آن‌را به نوعی به بی‌عدالتی تفسیر کنیم، و از درک دقیق فلسفه وجودی نژادهای مختلف انسانی

(سیاه، سفید، سرخ و زرد)، پدید آمدن انواع حیوانات (که بعضی زیبا و بعضی زشت و برخی سودمند و برخی هم مضر به نظر می‌رسند) و رویش و پیدایش گل‌ها و گیاهان گوناگون غافل بمانیم.

در حالی که با نگاهی عمیق‌تر، به خوبی خواهیم فهمید که اگر تنوع موجودات عالم نبود، شناخت و تکامل که در حقیقت دلیل خلقت این عالم است، امکان نداشت. حالا با این اوصاف، آیا می‌توان چنین



و رمزهای نهفته در این حکمت الهی، اصولاً مونث بودنشان را نوعی کاستی و باعث «تو سری خور!» بودن تلقی می‌کنند و احياناً دچار بدبینی نسبت به نظام خلقت و سستی اعتقادات دینی می‌شوند!

اگر افراد جامعه به ویژه دختران، از همان دوران کودکی و نوجوانی، حقوق و مقام و منزلت خودشان را به عنوان تربیت‌کننده نسل جامعه به درستی بشناسند و تفاوت‌های جسمی و روحی‌شان با مردها را نافی توانایی‌ها و استعدادهای بالقوه‌شان تلقی نکنند، بسیاری از زمینه‌ها و عوامل تشدید کننده محرومیت‌ها و محدودیت‌های کاذب علیه دختران در جامعه از بین می‌رود.

دین ما چه می‌گوید

مطالعه منابع دینی ما به وضوح ثابت می‌کند که: اسلام و قرآن نه تنها نسبت به زنان، نگاهی توأم با اکرام و احترامی خاص دارد، بلکه در برابر نظرات تحقیرآمیز برخی فرقه‌ها نسبت به سرشت و خلقت زنان تذکری جدی داده است.

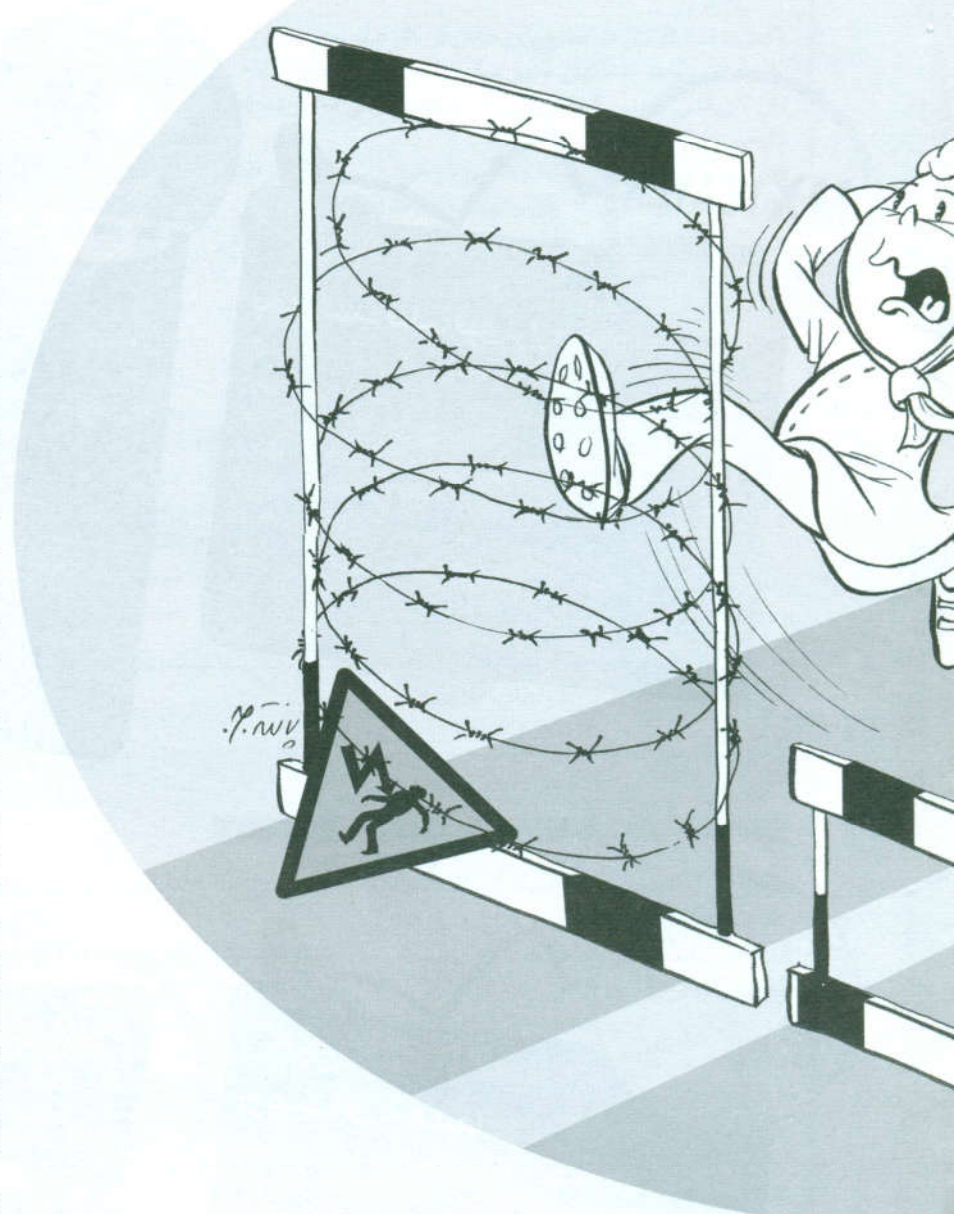
به عنوان مثال، یکی از نظرات تحقیرآمیزی که از سوی بسیاری از صاحبان مکاتب و بانیان عقاید غیر وحیانی طرح می‌شود و زمینه‌های تبعیض و تحدید علیه خانم‌ها را فراهم می‌کند، این است که: «زنان در مقایسه با مردان از سرشت و طینتی پست‌تر آفریده شده و مردان به لحاظ خلقت، نسبت به زنان از برتری قابل توجهی برخوردار هستند. پس قانون طبیعت طوری تعیین و ترسیم شده که زنان از نعمت‌ها و برخورداری‌های کمتری نسبت به مردان بهره‌مند شوند!»

در آیات متعددی از قرآن کریم، این‌گونه شبهات و توهّمات با صراحت و صلابت مورد انتقاد قرار گرفته و تأکید شده است که: «زنان و مردان از یک سرشت و طینت خلق شده و هیچ‌گونه امتیاز و تبعیضی در خلقت آنان راه نیافته است.»

براساس آیه اول سوره نساء، خداوند پس از آفرینش آدم ابوالبشر، جفت او «حوا» را از خمیره او خلق کرد که در سرشت و ماهیت، مثل حضرت آدم علیه السلام بود.

خداوند در این آیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا...! ای مردم! بترسید از پروردگارتان، آن‌که شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن همسر او را.»

همچنین در آیه ۱۹۵ از سوره آل عمران می‌فرماید: «...أَنْتِ لَا أَضِيعُ عَمَلَ غَائِلٍ مِنْكُمْ مَنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْتِ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ...! مرد و زن هر دو از یک نوعند و فرقی در اصل و سنخ وجود ندارد. عمل این دو صنف نزد خدا باطل نمی‌شود. عمل هیچ صاحب عملی را از شما چه مرد و چه زن (که همه همانند یکدیگرند) ضایع و بی‌پاداش نمی‌گذارم...»



بی‌عدالتی.

اگر با این شناخت به قضیه نگاه کنیم، از توهم برتری و قداست مردان نسبت به زنان خلاص خواهیم شد و اسیر این شبهات و خرافات آزاردهنده نمی‌شویم.

مونث بودن محدودیت نیست!

بسیاری از دخترها و زنان جوان به دلیل عدم درک درست در مورد فلسفه و علت تفاوت‌های ذاتی و طبیعی آدمیان و راز

حکمت و مصلحتی را نافی رحمت و عدالت در جهان تلقی کرد؟

با توضیحاتی که در مورد فلسفه تکامل و تفاوت‌ها گفتیم، آیا درست است که اختلاف جسمی و روحی دختران و پسران را خلاف روند تکاملی بدانیم؟ مرور آثار و منابع دینی و عقاید اندیشمندان و علمای دینی در مورد تفاوت‌های ذاتی و طبیعی بین دختران و پسران، ما را به این حقیقت می‌رساند که خلقت ما آدم‌ها (و البته جهان هستی) براساس تفاوت و تنوع است! نه تبعیض و